

بررسی رابطه ابعاد توسعه پایدار شهری و هویت محلی (مطالعه موردی شهر مریوان)

مرضیه طلعتی^۱، شیرزاد نیک خواه^۲

^۱ کارشناسی ارشد جغرافیا دبیر آموزش و پرورش شهرستان مریوان

^۲ کارشناسی ارشد روانشناسی دبیر آموزش و پرورش شهرستان مریوان

نام نویسنده مسئول:

مرضیه طلعتی

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی رابطه بین هویت محلی و شاخص های توسعه پایدار در بین مناطق سه گانه شهر مریوان می باشد. این تحقیق از نظر روش جزو تحقیقات توصیفی- کاربردی می باشد که بصورت پیمایشی صورت گرفته و گرد آوری داده ها بصورت میدانی خواهد بود. نمونه مطالعاتی تحقیق شهر مریوان می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات برای توسعه پایدار شهری شامل شاخص های توسعه شهری در شهر مریوان بود که در جدول (۱) بصورت مشخص ذکر شده و متغیر های آن با مطالعه میدانی در سطح شهر انجام گرفت سپس شهر به ۳ منطقه تقسیم و با توجه به شاخص های توسعه پایدار رابطه آن را با هویت محلی افراد مناطق مورد بررسی قرار گرفت. همچنین جهت بررسی هویت محلی از پرسشنامه هویت محلی تینگ و تومی (۲۰۰۰) با تغییراتی اندک جهت سنجش هویت محلی بهره گرفته شد. روایی و پایایی پرسشنامه قبلا استاندارد شده و روایی آن ۰/۸۷ محاسبه شده است. جهت تجزیه و تحلیل رابطه بین دو متغیر اصلی تحقیق از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد. یافته ها نشان داد که بین توسعه یافتگی زیاد و متوسط (مناطق ۱ و ۳) دا هویت محلی رابطه مثبت و معنادار و بین هویت محلی با عدم توسعه یافتگی رابطه ای وجود ندارد. که نتایج این تحقیق نشان دهنده این واقعیت بود که هویت محلی بعنوان شاخصه ای فرهنگی با وضعیت توسعه یافتگی جامعه (رفاه و امکانات موجود) رابطه بسیار نزدیکی دارد.

واژگان کلیدی: توسعه شهری، توسعه پایدار، هویت محلی، مریوان.

مقدمه

همان گونه که جهانی شدن به عنوان مفهومی نو و فراگیر از دهه ۱۹۸۰ میلادی بدین سو، حیات اقتصادی و اجتماعی و همچنین زندگی سیاسی و فرهنگی انسان معاصر را در بر گرفته است، مطالعات متمرکز بر به عنوان مکان های تبلور زندگی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی انسان امروز نیز با توجه به «شهرها» نگرانی ها و چالش های مطرح در زمینه مقوله جهانی شدن از دهه ۱۹۹۰ به گونه ای از گفتمان غالب جهانی شدن تأثیر پذیرفته اند (حسین زاده، ۱۳۸۸). در این میان بررسی فضاهای باز شهری به منزله مهم ترین قلمرو شکل گیری حیات جمعی شهروندان و یکی از کانون های تجلی و انعکاس تأثیرات مثبت یا منفی پدیده جهانی شدن، ضروری می نماید. در تب و تاب جهانی شدن و رقابت شدید شهرها در جذب سرمایه ها و ارتقاء رفاه شهروندان در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، و... پیامدهای زیانباری همچون کاهش حس تعلق خاطر، از دست رفتن هویت محلی، دوقطبی شدن جامعه، نزول شرایط زیست محیطی و... نیز بروز مینماید؛ لاجرم برای مواجه شدن با این تبعات چاره ای نیست جزء اینکه هدایت و راهبری خردمندانه و اصولی توسعه شهرها را بجای خوش باوری و رهاسازی رشد شهرها جایگزین نمود. در چنین حالتی مدیریت شهری دیگر صرفاً مدیریت مشکلات شهر را بر عهده ندارد بلکه فراتر از این موضوع، راهبری شهر به سوی توسعه ای همه جانبه و پایدار را بر عهده دارد. اغلب دو مفهوم و اصطلاح شهر پایدار و توسعه پایدار شهری به دلیل نزدیکی معنایی و اصطلاحی، به جای یکدیگر بکار می روند (نوابخش، ۱۳۸۸) برای تمایز این دو اصطلاح باید توجه داشت که کلمه توسعه در عبارت توسعه پایدار در واقع نشانگر فرآیندی است که طی آن پایداری می تواند روی دهد. اما پایداری مجموعه ای از وضعیتها است که در طول زمان دوام می یابد. بر این اساس توسعه پایدار شهری وضعیتی ثابت و هماهنگ به شمار نمی آید بلکه فرآیندی متحول است که در غالب آن استفاده از منابع، تأمین نیازهای کنونی و آتی انسان سازگاری پیدا می کند. بنابر این می توان گفت که بهتر اکوسیستم ها و ایجاد آینده ای امن و سعادت مند تر، با نیازهای کنونی و آتی انسان سازگاری پیدا می کند. بنابر این می توان گفت که چنین توسعه ای مفهومی جامع دارد و تمام جنبه های زندگی انسان مرتبط می باشد (بارتون، ۲۰۰۹). در نظریه توسعه پایدار شهری نیز موضوع نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن ضایعات به منابع تجدیدناپذیر مطرح است. پایداری شکل شهر، الگوی پایدار سکونتگاه ها، الگوی موثر حمل و نقل در زمینه مصرف سوخت، کاهش آلودگی و حجم ضایعات شهری، کاهش انرژی مصرفی و ایجاد اشتغال محلی از موارد دیگری است که در مفهوم توسعه پایدار شهری جایگاه ویژه ای دارند (خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری طی دهه های اخیر به تدریج به پارادایم نوین و مسلطی در ادبیات نظری و علمی رایج در باب توسعه و برنامه ریزی شهری تبدیل شده است. این پارادایم اگر چه ناظر به برداشت ها و تفسیرهای گوناگون می باشد، اما در مجموع بر پایداری و استمرار توسعه برای همگان و نسل های آینده طی زمان و بر همه جانبه نگرایی ابعاد پیچیده اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فرایند توسعه در سطح یک کشور یا شهر تأکید دارد. مهم ترین دغدغه ای که موجبات تعمق و توجه جدی صاحب نظران و برنامه ریزان شهری را به سوی مفهوم "توسعه پایدار شهری" جلب نموده، واقعیت رشد شتابان شهرنشینی در جهان امروز و تداوم آن در آینده از یک سو و رشد حیرت آور چشم گیر کلان شهرها به ویژه در کشورهای جنوب و پیامدهای زیانبار آن برای ساکنان این مناطق می باشد (صادقیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۵).

در حقیقت مطرح شدن توسعه پایدار به عنوان شعار اصلی هزاره سوم نیز ناشی از تأثیرات شهرها بر گستره زیست کره و ابعاد مختلف زندگی انسانی است. بدون شک، بحث از پایداری و توسعه پایدار بدون توجه به شهرها و شهرنشینی بی معنا خواهد بود. شهرها به عنوان عامل اصلی ایجاد کننده ناپایداری در جهان به شمار می روند و در واقع، پایداری شهری و پایداری جهانی هر دو مفهومی واحد هستند (حسین زاده دلیر و دیگران، ۱۳۸۸). بنابراین مسائل و مشکلات موجود به ویژه در شهرها نشانگر عدم تحقق مشخصه های پایداری در آنهاست. به طوریکه جغرافیای شهری در این وضعیت ابعاد و قلمروهای تازه ای می یابد و با بررسی مسائل مهم شهرهای جهان سوم، عدالت اجتماعی، کیفیت دسترسی مردم شهرها به نیازهای اساسی، حوزه های اجتماعی و غیره، ضمن ارزیابی و تحلیل فضایی و اکولوژیکی از مشخصه های پایداری در مناطق و حوزه های شهری، سعی دارد کمک کند تا محیط زیست شهری مناسبی برای ساکنان شهرها فراهم شود (شکویی، ۱۳۷۳). بر این اساس، با توجه به پیچیدگی ذاتی شهرها و ابعاد مختلف تأثیرگذاری آنها، شناخت عوامل اصلی و کلیدی در جهت دستیابی به پایداری شهری ضروری می باشد.

ابعاد توسعه پایدار در نمودار (۱) به شکل زیر می باشد:



اشگرفرد اثر خود با عنوان «فهم جهانی شدن» به بررسی جنبه های گوناگون اجتماعی، در کل، جهانی شدن فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پدیده جهان یسندن پرداخته و چنین بیان میکند نمی تواند یک نتیجه عمومی داشته باشد یا یک جهان همگن خلق کند. در عوض، جهانی شدن نتایج گوناگون و متضادی دارد که قابل پیش بینی نیست. به علاوه نتایج گوناگون به طور یکسانی مثبت و منفی نیستند و هم زمان برای برخی خوب و برای برخی بد هستند (شافر، ۲۰۰۳)؛ بنابراین مسئله بقا یا از بین رفتن هویت های محلی در جریان حرکت عظیم اقتصاد و فرهنگ جهانی موضوعی نیست که بتوان به سادگی برای آن یک پاسخ قطعی صادر کرد. بدیهی است که در این رابطه دیدگاه های متفاوتی ارائه شده باشد که در جمع بندی نهایی از نظریه پرداز بهای انجام شده شاید بتوان این نظریه ها را در سه روکید اساسی و متضاد جهانگرایان، سن تگرایان و تحو لگرایان قرار داد (مک کی، ۲۰۰۰).

همراستا با تمایل به سمت یکسان سازی جهانی، علاقه به تفاوت، قومیت و ساختن «دیگری» رشد خواهد کرد و می توان گفت علاقه جدیدی به «امر محلی» همراه با تأثیر «امر جهانی» وجود دارد. بنابراین به جای اندیشیدن به امر جهانی که جایگزین امر محلی می شود خیلی صحیح تر خواهد بود که به ترکیب بین «امر جهانی» و «امر محلی» باندیشیم یعنی بپذیریم که تقابلی بین امر محلی و امر جهانی وجود ندارد همان گونه که رابرتسون میگوید «امر جهانی فی نفسه مقابل امر محلی نیست؛ بلکه برعکس آنچه که غالباً امر محلی خوانده می شود اساساً جزئی از امر جهانی است.» (۱۳۸۳: ۲۲۶) بنابراین هویت محلی نباید با هویت های قدیمی تر که ریشه در مرزهای مشخص محلی دارند اشتباه شود بلکه در چارچوب منطق جهانی عمل می کند. علاقه جدید به خاص بودن با آگاهی از تأثیر گریز ناپذیر فضای جهانی همراه است و با ایدآلیزه کردن و اصالت دادن به امر محلی بسیار فاصله دارد. این ساده انگارانه است که فکر کنیم جهانی شدن به سادگی هویت های محلی را از بین می برد و هویت جهانی را حاکم می کند هویت یابی جهانی و محلی به طور همزمان تولید می شوند. ایده هویت محلی و فی الواقع ایده جهانی بسیار نسبی و سیال است شکی نیست که یک دهکده به لحاظ مکانی با منطقه ای از یک کشور مکانی محلی است. در حالیکه یک جامعه با یک کشور در نسبت با یک حوزه تمدنی امری محلی محسوب می شود این نسبی بودن به لحاظ زمانی نیز عمل می کند.

هویت های محلی به دو شیوه در برابر جهانی شدن واکنش نشان می دهند. نخست، بازگشت به سنت و پرهیز از دنیای کنونی، دوم استحاله شدن در دنیای فرامردن و شکل گیری هویت های چند رگه ای. در قرن بیستم تلاش هویت های حاشیه ای برای بیان داشتن خود نقش مهمی در تحولات داشته اند. از نظر اندیشمندان تلاش و کشمکش هویت های مذکور برای تعیین جایگاه و بیان خود، زندگی ما را تغییر داده است. هویت حاشیه ای به فضایی قدرتمند بدل شده است هر چند که قدرت این فضا محدود است. اما به هر تقدیر قدرت است. برای نمونه در عرصه هنر معاصر می توان ادعا کرد که هرگونه تلاشی برای درک عنصر خلاقه هنر مدرن، همواره ما را، به نوعی، در ارتباط با زبان هنری مناطق حاشیه ای قرار می دهد و این روند رو به رشد است. (هال ۱۳۸۳ الف: ۲۵۶)

هویت های محلی (جنبش های جدید، قومیت های جدید) که تا دیروز امکان ابراز وجود نداشتند امروز با سرعتی خارق العاده خود را مطرح می سازند. این هویت ها تاریخ پنهان خودشان را باز می یابند و آن را از آخر به اول روایت می کنند. آنها دریافته اند که تاریخی دارند و می توانند آن را بازگو کنند چرا که هیچ وقت فرصت روایت کردن تاریخ خود را نداشته اند، هویت های حاشیه ای در تلاش برای پیدا کردن ریشه های خود دنبال کسب جایگاهی از طریق تاریخ پنهان شان برای بیان خود می گردند. هال این اشتیاق و طلب ریشه ها و کسب جایگاه را «قومیت» می نامد «قومیت، جایگاه یا فضای لازمی است که امکان سخن گفتن را برای مردم فراهم می کند این مرحله مهم در پیدایش و رشد همه جنبش های محلی و حاشیه ای است که از بیست سال اخیر یعنی زمان کشف دوباره قومیت هایشان تصویر دیگری ارائه کرده است (هال ۱۳۸۳ الف: ۲۵۷). استوری نیز معتقد است که جهانی شدن موجب شده که برای یافتن «ریشه هایمان به گذشته ای مطمئن تر بازگردیم با این امید که شاید از این طریق بتوانیم هویت هایمان را در حال حاضر ثبات ببخشیم (کیم، ۲۰۰۸).

هویت های حاشیه همسان نیستند آنها به گونه ای هستند که همزمان میل توامان پیشرفت و دفاع در آنها دیده می شود. «هرگاه جنبش های حاشیه ای، خود را در معرض تهدید شدید نیروهای جهانگیر فرامردن ببینند، برای دفاع به قلمرو امن خود عقب نشینی می کنند و در این لحظه است که قومیت های محلی به اندازه قومیت های ملی خطرناک می شوند. ما شاهد این رخداد بوده ایم امتناع از جهان مدرن با بازگشت به خود و تلاش برای بازشناسی هویت به صورتی بنیادگرایانه.» (هال ۱۳۸۳ الف: ۲۵۸). اما کشف دوباره قومیت فقط از این مسیر نمی گذرد «بیان خود» خاستگاهی دارد و جایگاه و خاستگاه آن همواره گفتمان است و این گفتمان بر بستر یک گذشته مشخص، سنت

مشخص و مجموعه از مناسبات قدرت شکل می‌گیرد. و به خاطر آنها خود نیز همواره مشخص است. اما نکته‌ای که هست گرفتار نشدن گفتمان‌ها در مجموعه بسته‌ای از هویت‌های محلی است. از این روی در بازیابی و بازسازی هویت محلی دو نکته وجود دارد. اول، این که گذشته منتظر نمانده که ما آن را کشف کنیم. بنابراین، ما آن را روایت می‌کنیم تا درک شود این درک از طریق به یاد سپردن آن، تجسم آن در آرزوها و تمایلات و بازسازی آن حاصل می‌شود. رابرتسون با استدلالی شبیه این بیان می‌دارد که «جستجوی بنیادها را باید پدیده‌ای مدرن یا پسا مدرن به شمار آورد این پدیده مستلزم میزان قابل توجهی از بازاندیشی (مثلاً اختراع سنت) و گزینش (تحرك فزاینده) جهانی است.» (آرمی، ۱۳۸۳) دوم، اینکه سخن گفتن از یک جایگاه کاملاً بومی مناسب نیست، برای اینکه مسائل امروزی دیگر در روایت محدود قومیت سنتی نمی‌گنجد نمی‌توان به گذشته برگشت و از چیزی که دفاع کرد هویت‌های جدید نیاز دارند که در ورای مرزها و افق‌های سنتی و بی‌واسطه سخن بگویند. از این روی این هویت‌ها فناوری کثیر امروزی را در اختیار می‌گیرند تا خود را بیان کنند. «وقتی تلاش می‌کنند فناوری جدید را در اختیار بگیرند تا به زبان خود آن را بیان کنند و از شرایط خود حرف بزنند. از این جایگاه (جایگاه سنتی) خارج می‌شوند. آن گاه دیگر، «دیگری» در جایگاه خود نیست و امکان مهار این تمدن بدوی به نوعی از میان رفته است.» (هال ۱۳۸۳ الف: ۲۶۱). یوشینو با بررسی جامعه ژاپن به این نتیجه می‌رسد که جهان یشدن، هویتها و تفاوت‌های قومی را تقویت کرده است. وی اذعان می‌کند که این توجه به فرهنگ، مخصوصاً در میان شرکتهای مختلف تجاری و صنعتی بروز و ظهور یافته و شرکتهای تولیدی مانند میتسوبیشی، در شعارها و تبلیغات خود ضمن تأکید بر فرهنگ و هویت ژاپنی، می‌کوشند راه را برای ارتباطات بی‌نالمللی بهتر تقویت کنند (یوشینو، ۱۹۹۲) به چاپ رسیده ویسبرگ در مقاله ای که با عنوان «جهانی شدن، فرهنگ و بحران هویت» و معتقدند که فرهنگ ماکنون در شکل‌های متنوع به عنوان یک ناقل اصلی جهانی شدن و ارزشهای مدرن عمل می‌کنند و عرصه مهم رقابتی را برای هویت‌های محلی، ملی و مذهبی به وجود آورده است. آنها ادعا می‌کنند که از طرف فرهنگهای تودهای و محلی واکنشهایی علیه جهانی شدن و تفوق فرهنگ امریکایی در سطح جهان وجود دارد که نوع این واکنشها در کشورها و جوامع مختلف، گوناگون است، (لیبر و وایزبرگ ۲۰۰۲). در تحقیق دیگری که به وسیله بلوم در کشورهای حوزه دریای خزر انجام گرفته، چنین نتیجه گیری می‌شود که در میان مردم این منطقه کشش های زیادی نسبت به پیشرفت های غرب در حوز ههای اقتصادی، علم و تکنولوژی وجود دارد اما همزمان با آن، تنفر شدیدی نیز نسبت به جریانهای سرکش و غیر قابل کنترل دولتهای غربی مشاهده می‌شود. وی در پایان تحقیق اظهار می‌دارد گسترش فرهنگ دورگه ای در شهرهای مورد مطالعه، الگوی نمونه ای از فرهنگ دورگه ای در جهان بزرگتر را ثابت می‌کند (بلام، ۲۰۰۳). با توجه به موارد ذکر شده می‌توان گفت اهمیت هویت محلی با ابعاد توسعه شهری می‌تواند بسیار بر توسعه شهری مهم و تاثیر گذار باشد. لذا با توجه به اینکه در این رابطه در داخل کشور هیچ تحقیقی صورت نگرفته انجام این تحقیق دارای ضرورت می‌باشد.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر روش جزو تحقیقات توصیفی-کاربردی می‌باشد که بصورت پیمایشی صورت گرفته و گردآوری داده ها بصورت میدانی خواهد بود. نمونه مطالعاتی تحقیق شهر مریوان می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات برای توسعه پایدار شهری شامل شاخص های توسعه شهری در شهر مریوان بود که در جدول (۱) بصورت مشخص ذکر شده و متغیرهای آن با مطالعه میدانی در سطح شهر انجام گرفت سپس شهر به ۳ منطقه تقسیم و با توجه به شاخص های توسعه پایدار رابطه آن را با هویت محلی افراد مناطق مورد بررسی قرار گرفت. همچنین جهت بررسی هویت محلی از پرسشنامه هویت محلی تینگ و تومی (۲۰۰۰) با تغییراتی اندک جهت سنجش هویت محلی بهره گرفته شد. روایی و پایایی پرسشنامه قبلاً استناد دارد شده و روایی آن ۰/۸۷ محاسبه شده است. جهت تجزیه و تحلیل رابطه بین دو متغیر اصلی تحقیق از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده و تمامی تجزیه و تحلیل ها در نرم افزار spss-22 انجام پذیرفت.

یافته های تحقیق

یافته های توصیفی تحقیق متناسب با متغیر تحقیق متفاوت بود ابتدا شاخص های توسعه پایدار شهری و مولفه های آن در جدول ۱ نشان داده شده است .

جدول ۱- شاخص های توسعه شهری در کل شهر مریوان

شاخص توسعه پایدار	مولفه ها(شاخص های فرعی)	فراوانی
اجتماعی-جمعیتی	تعداد شاغلین	۲۳۸۷۹
	تعداد بیکاران	۱۰۵۵۰
	تعداد محصلین	۳۱۵۲۰

۲۸۶۳۰	تعداد خانوار	
۰/۴۶	سرانه فضای سبز به ازای هر نفر(متر مربع)	زیست محیطی
۸	تعداد پارک ها و فضای سبز شهری	
۴	تعداد ماشین های آتش نشانی	خدمات شهری
۱۱	تعداد سالن های ورزشی	
۲	تعداد بیمارستانها	
۳	تعداد کتابخانه ها	

به منظور تبیین رابطه هویت محلی با مناطق سه گانه شهر مریوان شاخص های توسعه پایدار شهری بصورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن طبق جدول شماره ۲ نشان داد که منطقه ۱ نسبت به دیگر مناطق از توسعه بالتری برخوردار است و به ترتیب منطقه ۳ و در آخر منطقه ۲ کمترین توسعه یافتگی را نسبت به دیگر مناطق بر خوردار می باشد. بدین ترتیب در این تحقیق منطقه ۱ منطقه توسعه یافته، منطقه ۳ منطقه نیمه توسعه یافته و منطقه ۲ با توسعه یافتگی کم شناخته خواهند شد.

جدول ۲- شاخص های توسعه پایدار در مناطق سه گانه شهر مریوان

فرآوانی	مولفه ها(شاخص های فرعی)	شاخص توسعه پایدار		
۸۹۵۲	تعداد شاغلین	اجتماعی-جمعیتی	منطقه ۱	
۳۶۴۱	تعداد بیکاران			
۱۴۹۵۰	تعداد محصلین			
۹۴۲۰	تعداد خانوار			
۰/۵۲	سرانه فضای سبز به ازای هر نفر(متر مربع)	زیست محیطی		
۴	تعداد پارک ها و فضای سبز شهری	خدمات شهری		
۰	تعداد ماشین های آتش نشانی			
۶	تعداد سالن های ورزشی			
۱	تعداد بیمارستانها			
۲	تعداد کتابخانه ها			
۷۶۲۳	تعداد شاغلین	اجتماعی-جمعیتی		منطقه ۲
۴۲۱۵	تعداد بیکاران			
۹۶۳۰	تعداد محصلین			
۱۱۶۹۰	تعداد خانوار			
۰/۳۹	سرانه فضای سبز به ازای هر نفر(متر مربع)	زیست محیطی		
۲	تعداد پارک ها و فضای سبز شهری	خدمات شهری		
۴	تعداد ماشین های آتش نشانی			
۲	تعداد سالن های ورزشی			
۰	تعداد بیمارستانها			
۰	تعداد کتابخانه ها			
۷۲۳۵	تعداد شاغلین	اجتماعی-جمعیتی	منطقه ۳	
۲۶۳۰	تعداد بیکاران			
۸۱۲۶	تعداد محصلین			
۸۲۳۳	تعداد خانوار			
۰/۴۱	سرانه فضای سبز به ازای هر نفر(متر مربع)	زیست محیطی		
۲	تعداد پارک ها و فضای سبز شهری			

۰	تعداد ماشین های آتش نشانی	خدمات شهری
۳	تعداد سالن های ورزشی	
۱	تعداد بیمارستانها	
۱	تعداد کتابخانه ها	

جهت تعیین نرمال بودن تحقیق از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که نتایج نشان داد $sig > 0/05$ به همین جهت داده های تحقیق نرمال تشخیص داده شده و از آزمون های آماری پارامتریک استفاده خواهد شد.

جدول ۳- تعیین نرمال بودن داده های تحقیق با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

متغیرها	نمره Z	sig	نرمال بودن
هویت محلی	۱/۰۷	۰/۴۱۲	نرمال
شاخص های توسعه پایدار	۰/۹۵۶	۰/۰۹۶	نرمال

برای تعیین میزان شدت رابطه علی میان متغیرهای مستقل و وابسته و تبیین فرضیه تحقیق از آزمون ضریب همبستگی گشتاوری همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج به ترتیب زیر (جدول ۴) قابل مشاهده است.

جدول ۴- ضریب همبستگی بین توسعه یافتگی با هویت محلی

فرضیه	متغیر	ضریب همبستگی	P-VALEV	تعداد	معنا داری
۱	بین هویت محلی با توسعه یافتگی	۰,۱۸۱	۰,۰۲۶	۱۱۵	دارد
۲	بین هویت محلی با توسعه یافتگی متوسط	۰,۰۹۹	۰,۰۴۵	۱۱۵	دارد
۳	بین هویت محلی با توسعه یافتگی اندک	-۰,۰۶۰۳	۰,۲۶۰۸	۱۱۵	ندارد

با توجه به اینکه میزان $p > 0/05$ بین هویت محلی با توسعه یافتگی اندک محاسبه شد لذا در این متغیر رابطه معنا داری بین هویت محلی با شاخص های توسعه یافتگی تأیید نمی شود. همچنین با توجه به اینکه میزان $p < 0/05$ در رابطه با بین هویت محلی با توسعه یافتگی و بین هویت محلی با توسعه یافتگی متوسط محاسبه شد لذا در این دو متغیر رابطه معنا داری بین هویت محلی و توسعه یافتگی تأیید می شود.

در نهایت باید پیش بینی رابطه بین متغیرها و تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بررسی شود. که ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود. برای تأثیر این عوامل به طور همزمان از رگرسیون چند گانه استفاده شده است، و با توجه به تأیید همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته به بررسی رابطه کمی میان متغیرهای مستقل و وابسته پرداخته تا به صورت یک مدل ارائه گردد. همچنین اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به وسیله روش رگرسیون چند متغیره مورد بررسی قرار می گیرد. قبل از ارائه مدل رگرسیون خطی چند متغیره ابتدا بایستی فرضیات مدل را مورد بررسی قرار دهیم که شامل موارد ذیل می باشد:

الف) برای بررسی نرمال بودن یک متغیر از آزمون کولموگراف-اسمیرنوف (K-S) استفاده گردیده است که نتایج در جدول شماره (۳) نشان از نرمال بودن داده ها بوده است.

ب) رابطه خطی بین متغیر وابسته و مستقل (آزمون F فیشر): این امر را می توان از طریق تحلیل واریانس (ANOVA) رگرسیون به منظور بررسی رابطه خطی بین دو متغیر استفاده کرد.

جدول ۵- جدول تحلیل واریانس (ANOVA)

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنا داری
رگرسیون	۷/۷۰۸	۵	۱/۵۴۲	۳/۳۲۴	b./۰۰۸
باقی مانده (خطا)	۵۰/۵۵۳	۱۰۹	۰/۴۶۴		
جمع	۵۸/۲۲۶	۱۱۴			

متغیر پیش بین: شاخص های توسعه یافتگی $sig < 0.01$

متغیر وابسته: هویت محلی

مطابق جدول شماره ۵، سطح معنی داری Sig=0.000 شده است و چون این مقدار کمتر از $(\alpha = 1\%)$ یعنی $(sig < \alpha)$ می توان دریافت که فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می شود. بنابراین فرض خطی بودن رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تأیید می شود. (ج) ضریب همبستگی و ضریب تعیین چند متغیره: بر اساس داده های تحقیق مساله ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین این تحقیق طبق نتایج فرضیه های بصورت زیر می باشد: ضریب همبستگی چندگانه با مقدار $0/677$ نشان می دهد که شدت رابطه متغیرهای مستقل بطور کلی با متغیر وابسته یعنی هویت محلی به چه میزان است. و ضریب تعیین با مقدار $0/458$ نشان دهنده تغییر پذیری (انحراف) در متغیر وابسته است که می توان بوسیله معادله رگرسیون آن را توضیح داد.

جدول ۶- ضریب همبستگی چند گانه و ضریب تعیین

مدل	ضریب همبستگی چند گانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آزمون دوربین واتسون
1	$0/677^a$	$0/458$	$0/446$	$1/545$

متغیر پیش بین: شاخص های توسعه یافتگی

متغیر وابسته: هویت محلی

نتایج تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره

جدول ۷- نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره

مدل	ضریب استاندارد	ضریب غیر استاندارد		آماره T	سطح معناداری	آماره هم خطی	
		ضریب B	انحراف خطا			تلورانس	VIF
۱	(مقدار ثابت)	$3/405$	$1/109$	$3/071$	$0/003$	$1/207$	$5/602$
	توسعه یافتگی	$0/198$	$0/087$	$0/22$	$2/283$	$0/024$	$0/37$
	توسعه یافتگی اندک	$0/245$	$0/109$	$0/21$	$2/26$	$0/026$	$0/461$
	عدم توسعه یافتگی	$-0/176$	$0/268$	$-0/122$	$-0/659$	$0/511$	$-1/707$

متغیر توسعه یافتگی کم (عدم توسعه یافتگی) برای پیش بینی هویت محلی در سطح اطمینان ۹۹٪ $(\alpha = 1\%)$ معنادار نمی باشند. (Sig>0.01)

متغیر توسعه یافتگی متوسط برای پیش بینی هویت محلی در سطح اطمینان ۹۹٪ $(\alpha = 1\%)$ معنادار می باشد. (Sig<0.01)

متغیر توسعه یافتگی برای پیش بینی هویت محلی در سطح اطمینان ۹۹٪ $(\alpha = 1\%)$ معنادار می باشد. (Sig<0.01)

بحث و نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان دهنده این واقعیت بود که هویت محلی بعنوان شاخصه ای فرهنگی با وضعیت توسعه یافتگی جامعه (رفاه و امکانات موجود) رابطه بسیار نزدیکی دارد و نمی توان از کسانی که به زحمت می توانند معیشت زندگی خود را فراهم می کنند یا از نظر در دسترس بودن امکانات رفاهی در تنگنا و مضیقه هستند انتظار رفتار های فرهنگ مآبانه و حفظ هویت محلی و قومی خویش را داشت. شاید نتایج این تحقیق این گفته را تایید می کند که رفاه فرهنگ می آورد. بی شک نمی توان به قطع یقین گفت که رفاه فرهنگ می آورد یا نه؟ اما می توان اظهار داشت که عدم وجود امکانات و مضیقه های معیشتی می تواند باعث انجام اعمال دور از فرهنگ و تمدن یک جامعه شود. بنابراین نتایج این تحقیق تاکید می کند که بین هویت محلی افراد در یک جامعه (شهر مریوان) با توسعه یافتگی پایدار شهری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. و هر اندازه میزان توسعه یافتگی بیشتر باشد می توان انتظار داشت که پایداری به هویت محلی و قومی نیز افزایش می یابد. نتایج این تحقیق با تحقیقات اشگرف (۲۰۰۵)، آرمی (۱۳۸۳)، احمدی (۱۳۸۱) و چن (۲۰۰۹) هم راستا می باشد.

هر چند که در حال حاضر بیشتر شهرهای جدید ایران دارای مشکلاتی از جمله خدمات بهداشتی و درمان، آموزشی، فضاهای تفریحی، سرانه فضای سبز، شبکه های گاز رسانی، حمل و نقل و از این قبیل هستند، اما بحران هویت مهم ترین معضل شهرهای جدید، نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا است (ابراهیم زاده، ۱۳۸۳). می توان گفت با توجه به جهانی شدن هویت حاشیه ای به فضایی قدرتمند بدل شده است مثلا در عرصه هنر معاصر هرگونه تلاشی برای درک عنصر خلاقه هنر مدرن، همواره ما را، به نوعی، در ارتباط با زبان هنری مناطق حاشیه ای قرار می دهد و این روند رو به رشد است. هویت های محلی (جنبش های جدید، قومیت های جدید) در سر تا سر جهان که تا دیروز امکان و ابراز وجود را نداشتند امروز با سرعتی خارق العاده خود را مطرح می کنند. این هویت ها تاریخ پنهان خودشان را باز می یابند و آن را از آخر به اول روایت می کنند. آنها دریافته اند که تاریخی دارند و می توانند آن را بازگو کنند چرا که هیچ وقت فرصت روایت کردن تاریخ خود را نداشته اند، هویت های حاشیه ای در تلاش برای پیدا کردن ریشه های خود دنبال کسب جایگاهی از طریق تاریخ پنهان شان برای بیان خود می گردند. بحران هویتی دلایل زیادی دارد و بحث زیادی را می طلبد. روشن نبودن مولفه های فرهنگ هویت چه در یک هویت و چه در هویت های متعدد یک گروه عاملی است اساسی برای لااقل شروع بحران هویتی. این روشن نبودن و ابهام نیز خود می تواند دلایل متعددی داشته باشد برای مثال توهمی که افراد یک قومیت از هویت خود دارند. برای مثال بسیاری از افرادی که به شدت از هویت قومی یک قوم خاص طرفداری می کنند، به این نکته (که اغلب به خوبی به آن واقفند) توجه نمی کنند که در بسیاری موارد قومیت ها در کشور ما دارای انسجام زبانی نیستند، زیرا زبان های قومی اغلب شکل مکتوب نداشته اند. بنابراین رابطه زبانی برای بسیاری از اقوام نمی تواند از یک عمق بسیار کم، پیش تر رود. اغلب اقوام ما نمی توانند به زبان قومی خود کتابی بخوانند و اصولا کتاب و یا رسانه ای وجود ندارد. بعد از انقلاب اطلاعاتی به وجود آمدن وبلاگ ها امکانی ایجاد کرد که سواد قومی افزایش یابد اما ما هنوز فاصله زیادی با موقعیت مطلوب داریم. بنابراین وقتی قومی با این گونه واقعیت ها روبرومی شود ممکن است دچار بحران هویتی شود. البته این صرفا به اقوام بر نمی گردد، هویت در هر سطحی می تواند این اشکال را پیدا کند، مثلا در ایران، هویت ملی ما اگر معلوم نباشد که بر اساس چه مولفه هایی می خواهد شکل بگیرد ما نخواهیم توانست به آن حیات ببخشیم و از طرف دیگر با تحولی که هویت به مثابه یک پدیده زنده به دست می آورد همواره این خطر وجود دارد که فرایند های ناهمسازی میان آن هویت و کنش کنشگران اجتماعی یا شرایط موجود ایجاد شود. تضاد میان سطوح هویتی (محلی، ملی، جهانی) و هر کدام از زیر بخش های آنها نیز می تواند عامل دیگری در این مخدوش شدن و بحران باشد. در همه حال باید ابتدا وجود بحران را شناسایی کرد و برای این کار اصولا مولفه های داشت، و سپس برای آن چاره ای اندیشید. رها کردن بحران به حال خود بدترین راه حل ممکن است که بی شک آن را تقویت و کار را به وضعیت بدتری خواهد رساند. توسعه شهری پایدار امکاناتی را فراهم می آورد تا همگان بصورت متوازن از رفاه نسبی برخوردار بوده و نگرش های فرهنگی تقویت شده و ذهنیت را را رشد می دهد. افزایش امکانات با کنار زدن دغدغه های معیشتی زمینه رشد جنبه های مختلف فرهنگی، قومیت ها را بر آن می دارد تا با توجه بیشتر به هویت محلی و بومی خود داشته و همواره در پی افزایش دانسته های خود باشند.

منابع و مراجع

- [۱] آرمی، آ. (۱۳۸۳) مطالعه تطبیقی هویت محلی و جهانی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.
- [۲] حسین زاده دلیر، کریم، قربانی، رسول و شکری فیروزجاه، پری، (۱۳۸۸)، تحلیل و ارزیابی کیفی سنجه های پایداری شهری در شهر تبریز، مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای، سال اول، شماره ۲، صص ۱۸.
- [۳] رابرتسون، رونالد (۱۳۸۲) جهانی شدن، تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.
- [۴] هال، استوارت (الف ۱۳۸۳) "بومی و جهانی: جهانی شدن و قومیت" ترجمه بهزاد برکت فصلنامه ارغنون شماره ۲۴، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- [۵] هال، استوارت (ب ۱۳۸۳) "هویت های قدیم و جدید، قومیت های قدیم و جدید" ترجمه شهریار وقفی پور، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۴ تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- [6] Barton, Hugh & Catherine Tsourou. 2009, Healthy Urban Planning: a WHO Guide to Planning for People, London and New York
- [7] Blum, D. (2003) Globalization and Identity in the Transcaspian Region, Washington: Center for Strategic and International Studies Washington. D. C.
- [8] Doutsche, K. W. (1966) Nationalism and Social Communication, Second edition, Cambridge: The M. I. T Press.
- [9] Friedman, T. L. (2000) The Lexus and the Olive Tree, New York: Farrar.
- [10] Fukuyama, Francis. (1992) The End of History and The Last Man, New York: Avon Books.
- [11] Giddens, A. (1991) The Consequences of Modernity, Cambridge: Polity press.
- [12] Huntington, S. (1992) "The Clash of Civilization", Foreign Affairs, Vol. 32 (3): 22-79.
- [13] Kim, Y. Y., Bhawuk, D. (2008) "Globalization and Diversity: Contributions from Intercultural Research", International Journal of Intercultural Relations, Vol. 32(4): 301-304.
- [14] Legrain, P. (2002) Open World: The Truth about Globalization, London: Abacus.
- [15] Liber, J. R., & Weisberg, E. R. (2002) "Globalization, Culture and Identities in Crisis", International Journal of Politics, Culture and Society, Vol. 16 (2): 273-296.
- [16] Robertson, R. (1992) Globalization: Social Theory and Global Culture, London: Sage Publication.
- [17] Schaeffer, R. K. (2003) Understanding Globalization: The Social Consequences of Political, Economic, and Environmental Change, Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
- [18] Shafer, C.S., Koo Lee, B., Turner, S., (2003),. A tale of three greenway trails: user perceptions related to quality of life. Landscape Urban Plann. 49, 163-178.
- [19] Ting-Toomey, S., Yee-Jung, K. K., Shapiro, R. B., Garcia, W., Wright, T. J., & etzel,
- [20] Yoshino, K. (1992) Culture Nationalism in Contemporary: A Sociological Enquiry, London: Routledge.